



بیانات معظم له در مراسم مشترک تحلیف دانشجویان دانشگاههای افسری ارتش در دانشگاه امام علی (ع) - 4 ادی / 1382

بسم الله الرحمن الرحيم

به جوانان و فرزندان عزیز و گرامیم که امروز رسماً وارد عرصه رزمندگان و مدافعان میهن و ارزشهای نظام اسلامی شدند، خوشامد عرض می‌کنم و یکایک شما عزیزان را به چشم فرزندان ارزشمند این آب و خاک و کسانی که می‌توانند نقشهای برجسته‌ای را در این کشور ایفا کنند، نگاه می‌کنم.

نظامی‌گری در همه ارتشهای جهان به معنای قدرت قهرآمیز است؛ منتها بسته به این که تعریف و هدف از قدرت چه باشد، بار مثبت یا منفی معنا و مفهوم نظامی‌گری تفاوت می‌کند.

از دورانهای قدیم و مختلف تاریخ تا امروز، چنگیزها و نرونها و صدامها و بوشها - آدمکشان حرفه‌ای - تعریف و هدفشان از قدرت، تعریفی غلط و ضدانسانی و هدفی نامعقول و ناپسندیده بوده است. تعریف آنها از قدرت عبارت است از سلطه بر انسانها و هدفشان از قدرت هم عبارت است از بی‌اعتنایی به جان و آبرو و ارزش انسانها؛ تسلط و سیطره هرچه بیشتر بر جان و مال بشر. این با هدف و روشهای قدرت در اسلام به کلی و از بُن و بنیاد متفاوت است. قدرت در فرهنگ اسلامی یعنی خدمت به انسانیت و انسانها و خدمت به ارزشهای بشری از موضع قوی، نه از موضع ضعف. به همین نسبت، روشهای نظامی‌گری و قدرتمداری هم از دید اسلام به کلی با دید فرهنگ جاهلی و زورمداری زورمداران گذشته و امروز متفاوت است.

پیغمبر و ابوجهل هر دو شمشیر می‌زدند، هر دو نیروی نظامی فراهم می‌کردند، هر دو می‌جنگیدند؛ اما ماهیت این دو جبهه، این دو صف و این دو جنگنده به کلی با هم متفاوت است. این هدف با آن هدف، زمین تا آسمان فرق می‌کند. تربیت انسانهایی که در نیروهای مسلح خدمت می‌کنند هم به همین نسبت تغییر پیدا می‌کند. آن ارتش و نیروی مسلحی که در خدمت سلطه‌گری کمپانیها و زورمداران و زرمداران جهانی است که بر انسانها و کشورها و منابع مالی و انسانی سلطه دارند، هرچه قسّی‌القلب‌تر و کورتر باشد، مطلوبتر است. اما آن ارتشی که در خدمت هدفهای پاک و والاست و با ابزارهای مردمی و تکیه بر ارزشها می‌خواهد قدرت خود را نشان دهد، هرچه آگاهتر و مردمی‌تر باشد، مطلوبتر است.

نظام جمهوری اسلامی، نیروهای مسلح را برای دفاع از یک شخص یا یک طبقه، یا وسیله‌ای برای زورگویی و سلطه‌گری و تسلط بر منابع انسانهای دیگر نمی‌داند. هدف نیروی مسلح در نظام اسلامی احیاء انسانیت و ارزشهای انسانی و آرمانهای الهی است؛ مجاهدت فی سبیل الله است. وقتی مرد مؤمن و شجاع، با هدف جهاد فی سبیل الله وارد میدان شد، جان دادن در این میدان را افتخار می‌داند. ارزش والای شهادت در اسلام بر این پایه است. آن وقت است که شهید ستاره‌ای همیشه درخشان در آسمان زندگی و تاریخ آن ملت می‌شود. آن کسی که در خدمت زورمندان و زرمندان می‌جنگد، مرگ برایش گودال وحشت انگیز و تاریکی است که از آن باید بگریزد؛ برای او مردن و افتادن در آن حفره هولناک نه شوقی دارد و نه افتخاری. به همین دلیل است که اگر در هر نقطه‌ای از دنیا میان نیروهای رزمنده هدفدار و آرمانگرا با نیروهایی که برای کمپانیها و زورمندان و زورمندان و برای پول می‌جنگند، مبارزه‌ای رخ دهد، پیروزی با مجاهدانی است که شهادت و جان دادن در راه خدا را برای خود افتخار می‌دانند.

جوانان عزیز! دوران دفاع هشت ساله یک درس همیشگی نه فقط برای ما، بلکه برای همه جوانان غیور در سرتاسر دنیا است. ارتش و سپاه و بسیج و سایر نیروهای رزمنده در این هشت سال توانستند در مقابل ارتشی که از همه سوی دنیا تجهیز و تقویت می‌شد، بایستند؛ آن را ناکام کنند و بارها ضربه‌های کوبنده مکرر بر آن وارد آورند. در حالی که در آن روزها نیروهای ما از لحاظ سلاح و تجهیزات و امکانات مادی بسیار کمبود داشتند. این معجزه ایمان و معجزه آگاهی است.

عزیزان من! میان شما و ارتشهایی مثل ارتش صدام و ارتش بوش تفاوت‌های بنیانی است؛ قدر خودتان را بدانید. شما



در راه آرمانهای والا حرفه نظامی گری را انتخاب کرده اید. در این راه هر حرکت و تلاشی برای انسانهای باوجدان، هیجان انگیز و زیباست. آنها در خدمت زرسالاران جهانی و زورسالاران زورگو و سلطه طلب و همسو با رسانه های تزویرگر هستند و در راه هیچ آرمانی مبارزه نمی کنند. دیدید ارتش صدام با همه آن تجهیزات، مثل برف آب شد و نه تنها از میهن و مردمش، بلکه حتی از خودش هم نتوانست دفاع کند. انسانهای بی آرمان، با وجود داشتن تجهیزات و سلاح هم درواقع هیچند. ارتش بوش هم همین طور است؛ آنها هم وقتی در مقابل کوه ایمان و صلابت و عزم و اراده مردم مؤمن قرار گیرند، همین طور خواهند بود.

ما معتقد به انضباط آهنین، نظم منطقی، کار علمی، آموزش به روز و سلاح در حد ممکن برای نیروهای مسلح خود هستیم؛ اما همه اینها را در کنار تقوا، توکل و دلدادگی به آرمانها و مردم معتبر می دانیم. الگوی ما «مالک اشتر» است؛ برترین سردار بلندپایه ی جنگهای پرماجرایی امیرالمؤمنین؛ شجاعترین مرد عرب. جوانی در کوچه های مدینه او را شناخت؛ به او اهانت کرد، حتی آب دهان به طرف او انداخت! این سردار بلندمرتبه و امیر والامقام نه تنها به او اخم نکرد، بلکه به مسجد رفت، برای او نماز خواند و استغفار کرد که خدا از جهالت این جوان بگذرد! بعد از آن که مالک اشتر را به آن جوان معرفی کردند، آمد که از او عذرخواهی کند. گفت عذرخواهی لازم نیست، من آمدم تا برای تو پیش خدای متعال استغفار کنم. آن صلابت، آن شجاعت، آن عظمت در میدان نبرد همراه است با عظمت در میدان معنویت؛ عظمت روح.

جوانان عزیز! آخرین محصول لیبرال دمکراسی غرب، جهانگشایی و سلطه گری است که در مقابل چشم مردم دنیاست. می بینید؛ زورگویی و قانون جنگل. در ظرف یک سال ونیم دو ملت مسلمان افغانستان و عراق را تارومار کردند؛ به خاک و خون غلتاندند. قله لیبرال دمکراسی با همه آن ادعاها و علی رغم همه آن دعویهای باطل، این شد. به هیچ یک از مخالفتهای جهانی هم کمترین اعتنایی نکردند؛ یعنی مردم و انسانیت و خواست انسانها از نظر آنها هیچ ارزشی ندارد. هیچ مرجع جهانی هم وجود ندارد و آنهایی که دلشان را به مجامع جهانی خوش می کنند، خودشان را فریب می دهند. می بینید سازمان ملل و مراجع جهانی در مقابل این فجایع چگونه برخورد می کنند! در دنیای قانون جنگل، هر ملتی باید به فکر خودش باشد و خود را تقویت کند. اگر به عزت، شرف، استقلال و به هویت انسانی خود معتقد است، باید در خود قدرت دفاع به وجود آورد. البته بخشی از این قدرت، دفاع مادی و سلاح و نظامی است؛ اما این قدرت، معنوی و وحدت ملی است؛ همکاری و همدلی مردم با مسؤولان کشور است؛ تلاش مسؤولان کشور برای بهروزی مردم است؛ حفظ وحدت مردم است، و در کنار اینها آمادگی بهترین و برترین و شجاعترین جوانان برای دفاع از کشور، ارزشها، استقلال و عزت ملی است. وارد خوب میدانی شده اید و خوب هدفی را انتخاب کرده اید. جوانی شما در بهترین جهت و رویکرد به کار می رود. این را قدر بدانید و در سازندگی مادی و معنوی، روحی و جسمی و نظامی و تقوایی خود هرچه بیشتر بکوشید. خدای متعال نگاه رحمتش بر آن ملتی است که خودسازی، اراده و حرکت کند.

یاد شهیدان عزیز این راه پُرافتخار را گرامی می داریم و بر همه آنها و بر امام شهیدان درود می فرستیم.
والسلام علیکم ورحمةالله